



معظمی: بهتر این است ترکیب جلوه‌های میدانی و رایانه‌ای انجام شود  
مثلا در یک صحنه انفجار خودرو، از هر دو استفاده شود. جلوه‌های رایانه‌ای هم  
گران است و اصلا نباید تصور شود که ارزان تمام می‌شود.  
ترکیب این دو می‌تواند یک صحنه زیبا و اکشن هیجان‌انگیز را خلق کند

فایده‌یک

ویژه‌نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم  
شنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۰ • شماره ۷۶۶

ارشا چگونه به حرفه خود نگاه می‌کند؟

## مغازله مرگ و زندگی



وقتی ناباورانه خبر رفتنش را شنیدیم و کهکشان در سوگش سیاهپوش شد، دوباره شروع کردم به جست‌وجو کردن درباره‌اش؛ این بار برای آشنایی با خودش. چرا بعد از این همه سال درست ماه‌های منتهی به فوتش با او آشنا شدم؟ ارشا اقدسی چه چیزی را باید به من یاد می‌داد؟ در این جست‌وجوها که با اشک و لبخند همراه بود، پاسخم را یافتم. ارشا اقدسی کاری را انجام می‌داد که آن را به زنده ماندن، ترجیح می‌داد. حاضر بود برای این زندگی بمیرد. او مغازله و هم‌آغوشی زیبای مرگ و زندگی را در جلوی چشم همگان به نمایش گذاشت. به همین دلیل مصداق این آموزه هگل، فیلسوف بزرگ ایدئالیست شد: آدمی، انسانیت خود را محقق نمی‌کند مگر آن‌که جان حیوانی‌اش را به پیروی از آرزوی انسانی خویش به خطر اندازد.

وقتی پیشنهاد شد ارشا اقدسی مجری برنامه ما شود، شروع کردم به جست‌وجو درباره‌اش تا با کارها و فعالیت‌هایش بیشتر آشنا شوم. خطرپذیر بود و حرفه‌ای و گزینه‌ای مناسب برای برنامه‌های ماجراجویانه و پراز چالش‌های فیزیکی کهکشان. وقتی در بهمن ۹۹ به سوله مسابقه کهکشان آمد در حالی که تازه مراحل ساخت دکور آغاز شده بود، مهم‌ترین ویژگی‌اش که جلب توجه می‌کرد اشتیاق برای شنیدن، گرهِ خوردنش با کار و روراستی‌اش در تعامل بود. سخاوتمندانه در همان اولین جلسه آشنایی، نظرات و ایده‌هایش را برای افزایش جذابیت، ایمنی و پیاده‌سازی ارزان‌تر برخی بازی‌ها و ایده‌ها با ما در میان گذاشت.

فاطمه دلاوری  
سرپرست برنامه  
کهکشان

بود باک بنزین یک خودرو منفجر شود. فاصله‌ای با خودرو نداشتیم. اگر بخواهیم یک اثر اکشن بسازیم، باید برای صحنه یک دقیقه‌ای، ۵۰۰ میلیون تومان یا یک میلیارد تومان هزینه کنیم، اما این هزینه‌ها نمی‌شود. من در جریان جزئیات اتفاقی که برای ارشا اقدسی عزیز افتاده، نیستم و صحنه‌ای را که اتفاق افتاده، ندیدم. اما در مجموع، در کار بدلکاری با جان بدلکارها بازی می‌شود و بسیار خطرناک است. باید خیلی به این کار بها داده شود که این حوادث رخ ندهد.

با توجه به نکته‌ای که درباره جلوه‌های ویژه بصری گفتید، ترجیح شما این است که صحنه با استفاده از بدلکار ساخته شود یا جلوه‌های ویژه بصری؟

بهتر این است ترکیب جلوه‌های میدانی و رایانه‌ای انجام شود. مثلا در یک صحنه انفجار خودرو، از هر دو استفاده شود. جلوه‌های رایانه‌ای هم گران است و اصلا نباید تصور شود که ارزان تمام می‌شود. ترکیب این دو است که می‌تواند یک صحنه زیبا و اکشن هیجان‌انگیز را خلق کند.

گروه بدلکاری را چطور برای صحنه انتخاب می‌کنید؟ می‌شود گفت بعضی بدلکارها در بعضی صحنه‌ها ماهرترند؟

به شرایط تولید مربوط است و دست کارگردان نیست. اصولا می‌گویند از بین گزینه‌ها، کسی را بیاوریم که کمتر دستمزد می‌گیرد، مگر این که استثناها یک صحنه بسیار سنگین و خاص وجود داشته باشد که بگویند برای این صحنه، از بهترین بدلکارها استفاده کنیم.

عموما چه صحنه‌هایی به استفاده از بدلکار نیاز دارد و بازیگر نمی‌تواند بازی کند؟

به انتخاب بازیگر، فیلمنامه و... بستگی دارد. مدل کاری من این‌طور است که اگر می‌خواهم کاری بسازم که صحنه‌های اکشن یا رزمی دارد، سعی می‌کنم سراغ بازیگری بروم که خودش در این حرکات متبحر باشد و بیشتر آنها را خودش اجرا کند. در کنار او، یک نفر را هم به عنوان مشاور می‌آورم که تکنیک‌های دقیق‌تر را به بازیگر آموزش بدهد تا گاف داده نشود. این برای صحنه‌های معمولی‌تر است، اما برای صحنه‌های خطرناک مثل چپ کردن خودرو، حتما از بدلکار استفاده می‌کنم. اگر قرار باشد کاراکتر از پشت‌بام به پایین بپرد، بازیگر نمی‌تواند صحنه را بازی کند و باید بدلکار انجام بدهد. حتی یک تیر خوردن ساده هم آموزش می‌خواهد. مگر می‌شود این کار را به هنرور سپرد؟ این که با توجه به گلوله، نوع اسلحه و فاصله، ری‌اکشن بدن چگونه است و شدت پرتاب شدن فرد چقدر است.

پس این صحنه‌ها را حتما به بدلکار می‌دهید؟

بله حتما. مثلا در پلان‌هایی از سریال «خانه امن» که درگیری با اسلحه دارد، از ترکیب بازیگر و بدلکار استفاده کردیم. اصولا نماهای بسته را با بازیگر می‌گیرند و نماهای بازتر و دور را که به سرعت احتیاج دارد، بدلکار انجام می‌دهد. مثلا در تعقیب و گریز خودرو، اصولا باید بدلکار بنشیند، چون او در رانندگی متبحر است و می‌داند اگر اتفاقی افتاد، چطور باید خودرو را جمع کند. اگر کاراکتر قرار است با موتور به زمین بخورد، بخشی از آن را بازیگر انجام می‌دهد و بخش دیگر که اصل زمین خوردن است، بدلکار می‌رود.

برگ سبز و برگ کمیانی خودرو پراید مدل ۱۳۸۲ رنگ مشکی متالیک شماره پلاک ۳۰ ایران ۱۶۴ ب ۱۷ شماره موتور 00497482 شماره شاسی 51412282956264 به نام خانم طاهری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو پیکان مدل ۱۳۸۵ به رنگ سفید شماره انتظامی ایران ۴۲۹۵۳ ق ۳۳ شماره موتور 11285000126 شماره شاسی 12174867 به نام قمر اعظم افتخاری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمیانی خودرو پژو ۲۰۶ هاج یک TU3 مدل ۱۳۹۵ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۹۹۳ ۶۷ س ۱۷ شماره موتور 165A0063497 شماره شاسی NAAP03EE1GJ827281 به مالکیت بابک فهیم پور مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو وانت پیکان مدل ۱۳۹۰ به رنگ سفید شیری روغنی شماره انتظامی ایران ۵۳ ۷۱۷ ب ۹۷ شماره موتور 11490092271 شماره شاسی NAAA64AA2CG323429 به نام حبیب‌الله گل احمدی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمیانی سواری هاج یک ام وی ام 315HNEW مدل ۱۳۹۴ رنگ مشکی متالیک شماره موتور MVM477FJAF038126 شماره شاسی NATFBAMD9F1030941 شماره پلاک ۹۵۷ ق ۴۲ ایران ۴۶ به نام محمدرضا حودت مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز تیبا ۲، مدل ۱۴۰۰ رنگ سفید، شماره موتور M15/9148269 شماره شاسی NAS821100M1302278 به نام توران نیایش مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

سند کمیانی و برگ سبز خودرو کامیونت یخچالدار نیسان مدل ۱۳۸۳ به رنگ آبی روغنی شماره انتظامی ایران ۱۴۲ ۱۳ ب ۸۷ شماره موتور 263260 شماره شاسی D57418 به نام غلامرضا مصطفوی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمیانی و برگ سبز سواری پیکان 1600i رنگ سفید متالیک مدل ۱۳۸۳ شماره موتور 11283034003 شماره شاسی 83420601 شماره پلاک ۱۹۴ ل ۱۱ ایران ۵۶ به نام عطاءالله مقدس زاده فومنی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمیانی و برگ سبز وانت پیکان 1600i مدل ۱۳۸۵ رنگ سفید روغنی شماره موتور 12177079 شماره شاسی 11285010823 شماره پلاک ۳۱۲ د ۵۷ ایران ۴۶ به نام محمدرضا مودب بجارینه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.